

## پاسخنامه مدارس شهرستان

## نام کتاب: شرح لمعه، از کتاب الغصب تا کتاب المیراث

لطفاً به همه سوالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

## سوالات تستی:

۱. کدام گزینه صحیح نیست؟  
 د ۱۰۷-۱۱۰-۱۱۱/۴
- ا. یحرم من الطیر ما له مخلاب
- ب. البيض تابع للسمک فی الحلّ و الحرمة
- ج. یحلّ غراب الزرع
- د. یحل من الطیر ما کان صغیفه اکثر من دغیفه
۲. لو اختلط الذکی من اللحم بالمیت و لا سبیل الی تمییزه ...  
 ب ۱۲۵/۴
- ا. یجوز اکلها
- ب. یجب الاجتناب عن الجميع
- ج. یجوز اکل احدهما مع القرعة
- د. یستحب الاجتناب عن الجميع
۳. حکم الموات مع غیبة الامام (علیه السلام) ...  
 ب ۴۴/۴
- ا. أن یتملک من أحياء و ان لم یقصد تملکة
- ب. ان یتملک من أحياء اذا قصد تملکة
- ج. أنه لا یجوز التصرف فيه
- د. انه لا یجوز تملکها
۴. کدام گزینه از واجبات در ذبیحه نیست؟  
 ج ۷۹-۸۸
- ا. استقبال القبلة مع الامکان
- ب. الحركة بعد الذبح او خروج الدم المعتدل
- ج. السلخ قبل البرد
- د. متابعة الذبح حتى یستوفی قطع الاعضاء

## سوالات تشریحی:

\* «ذکاة الجنین ذکاة أمه» و الصحیح روایة و فتوی أن ذکاة الثانية مرفوعة خبراً عن الاولى فتتخصر ذکاته فی ذکاتها و ربّما اعربها بعضهم بالنصب علی المصدر ای ذکاته کذکاة أمه فحذف الجار و نُصب مفعولاً و حینئذ فتجب تذکيته کتذکيتها.

۱. ا. مراد از «ذکاة» چیست؟ ب. معنای حدیث مزبور در صورتی که ذکات دوم مرفوع یا منصوب باشد چیست؟

ا. یعنی آن سببی که باعث حلال شدن حیوان می‌شود. ب. در صورتی که ذکات دوم مرفوع باشد خبر است و مفید حصر می‌باشد یعنی تذکية جنین تنها با تذکية مادرش ممکن است اما اگر ذکات دوم را منصوب بخوانیم معنایش این می‌شود که همان طوری که مادرش تذکيه می‌شود تذکية جنین هم واجب است و تذکية جنین هم مانند تذکية مادرش است.

\* إن تعدّر ردّ العين لتلفٍ و نحوه ضمنه الغاصب بالمثل ان كان المغصوب مثلياً و ألا فالقيمة العليا من حين الغصب إلى حين التلف و قيل إلى حين الردّ و قيل: بالقيمة يوم التلف لا غير. ۵۷۳/۳-۵۷۰

۲. ا. مراد از «مثلی» چیست؟ ب. تفاوت سه قول ضمان قیمی را در ضمن مثالی بیان کنید.

ا. هو المتساوی الاجزاء و المنفعة المتقارب الصفات ب. بنابر قول اول بالاترین قیمت از حین غصب تا زمان تلف شدن قیمی را ضمان است مثلاً اگر حین غصب قیمت حیوان پنجاه هزار تومان بود ولی اواسط ایام غصب صد هزار تومان شد و بعد باز پایین آمد تا هفتاد هزار تومان و بعد از تلف قیمت به صد و ده هزار تومان هم رسید طبق قول اول باید همان صد هزار تومان را بدهد و لو بعد از تلف قیمت بالا رود ولی بنابر قول دوم باید صد و ده هزار تومان را بدهد و بنابر قول سوم هفتاد هزار تومان.

\* یجب غسل موضوع العضة من الكلب جمعاً بین نجاسة الكلب و اطلاق الامر بالاکل. ۷۵/۴

۳. عبارت «جمعاً بین نجاسة الكلب و اطلاق الامر بالاكل» را توضیح دهید.

چون از یک طرف در قرآن به طور مطلق امر به اكل از آن چه كلب صید کرده؛ شده بدون آن که در مورد تطهیر آن صحبت کرده باشد و از طرف دیگر ادله وجوب غسل محل نجس، دلالت بر وجوب تطهیر دارند و جمع بین این دو اقتضا می کند که جای گاز گرفتن كلب را تطهیر کنیم و آنچه به وسیله او صید شده قابل اكل باشد.

\* لو وجد المضطر میتة و طعام الغير طعام الغير اولی ان بذله مالکه و ان لم یبذله مالکه اصلاً أو بذله بعوض یعجز عنه اكل المیتة و فی الدروس انه مع قدرته علی قهر الغير علی طعامه بالثمن او بدونه مع تعذره لا يجوز له اكل المیتة بل یأكل الطعام و یضمنه لمالکه فان تعذر علیه قهره اكل المیتة و هو حسن لان تحریم مال الغير عرضی بخلاف المیتة و قد زال بالاضطرار فیکون اولی من المیتة. ۱۴۵/۴

۴. نظر مصنف در دروس و دلیل آن را توضیح دهید.

مصنف معتقد است که اگر شخص مضطر، بین اكل میتة و اكل مال الغير مردد بود در صورتی که بتواند صاحب طعام را وادار و مجبور کند بر این که طعام او را بگیرد چه در مقابل پول یا بدون پول حق ندارد اكل میتة کند بلکه باید مال الغير را بخورد و آن غذا را ضامن می شود و بعداً باید به مالک برگرداند، اما اگر نتوانست مالک را مجبور کند به گرفتن طعامش، به ناچار اكل میتة می کند. دلیل این قول آن است که تحریم اكل مال غیر، عرضی است نه ذاتی زیرا طعام او، بالاصالة حلال است ولی چون مالکش راضی نیست حرام می شود و از آن جا که الان این شخص مضطر است این حرام بر او حلال می شود در حالی که میتة بالاصالة حرام است.

\* الغصب هو الاستقلال باثبات اليد علی مال الغير عدواناً و لكن ینتقض التعریف فی عکسه بما لو اشترک اثنان فصاعداً فی غصب بحيث لم یستقل کل منهما بالید فلو اُبدل «الاستقلال» بـ«الاستیلاء» لشملة لصدق الاستیلاء مع المشاركة و بالاستقلال باثبات اليد علی حق الغير فلو اُبدل «المال» بـ«الحق» لشمّل جمیع ذلك. ۵۶۱-۵۶۲/۳

۵. اشکال شهید ثانی بر کلام مصنف و راه حل آن را به نظر ایشان بیان کنید.

شهید ثانی می فرماید این تعریف جامع افراد نیست زیرا اگر دو نفر مشترکاً شیء واحدی را غصب کنند تعریف فوق صدق نمی کند زیرا در تعریف، کلمة استقلال آمده ولی این جا استقلالی نیست و همچنین تعریف مزبور، غصب حقوق را مثل حق تحجیر شامل نمی شود که این موارد مال نیست. راه حل اشکال این است که بجای «استقلال»، کلمة «استیلاء» و بجای «مال الغير» کلمة «حق الغير» را به کار ببرید.

\* لقطۃ المال غیر الحيوان: ما كان منه فی الحرم حرم أخذہ بنیة التملک مطلقاً لقوله تعالی «أو لم یروا أننا جعلنا حرماً اماناً». ۲۵/۴

۶. آیه شریفه دلیل بر چیست؟ وجه استدلال به آیه را توضیح دهید.

دلیل بر حرمت اخذ لقطه در محدوده حرم به نیت تملک. وجه استدلال: مقتضای امن بودن حرم این است که انسان و اموال او در امان باشد و اخذ به نیت تملک منافی با این امن بودن است.

\* لا تدفع اللقطۃ إلى مدعیها وجوباً إلا بالبینة لا بالأوصاف و إن خفیت بحيث یغلب الظن بصدقه لعدم اطلاع غیر المالك علیها غالباً لقیام الاحتمال. ۳۵/۴

۷. هر کدام از عبارات «لعدم اطلاع...» و «لقیام الاحتمال»، علت برای چیست؟ توضیح دهید.

«لعدم اطلاع...» دلیل بر منفی است یعنی علت این که ادعا شده اوصاف خفیه می تواند مجوز دفع لقطه به مدعی شود این است که غالباً بر اوصاف مزبور کسی جز مالک آگاه نیست لذا می توان به مدعی اطمینان کرد و مال را به او داد.

«لقیام الاحتمال» تعلیل برای نفی است یعنی علت این که اعتماد بر اوصاف خفیه جایز نیست آن است که احتمال دارد غیر مالک هم بر آن مطلع شده باشد و چون این احتمال وجود دارد پس نمی توان مال را به مدعی تحویل داد.

\* من سبق إلى مكان من المسجد فهو أولى به فلو فارق بطل حقه ألا أن يكون رحله باقياً و مع ذلك ينوى العود و هذا الشرط لم يذكره كثير و هو حسن لأن الجلوس يفيد اولوية فإذا فارق بنية رفع الاولوية سقط حقه منها و الرحل لا مدخل له في الاستحقاق بمجرده. ۵۷/۴

۸. أ. مراد از «رحل» و «هذا الشرط» چیست؟ ب. علت حُسن این شرط را به نظر شهید ثانی بنویسید.

أ. رحل: شیء من امتعته. هذا الشرط: اعتبار نیت عود مع بقاء الرحل.

ب. زیرا وقتی کسی در جایی بنشیند مفید اولویت است اما اگر از آن جا برخاست به قصد رفع آن حق اولویت، حقتش از آن مکان ساقط می-شود و بود و نبود رحل دلالتی بر استحقاق نسبت به آن مکان ندارد بلکه نیت شخص مهم است.

۹. عبارت‌های زیر را معنا کنید.

أ. مَنْ أَجْرَى عَيْنًا يَمْلِكُهَا مَعَ نِيَّةِ التَّمَلُّكِ. ۶۴/۴

ج. اگر کسی چشمه‌ای را از زمین خارج نموده و آب آن را بر روی زمین جاری سازد در صورتی که نیت تملک داشته باشد مالک آن می-شود.

ب. يَمْلِكُ الْمَاءَ مَنْ احْتَقَنَ شَيْئًا مِنْ مِيَاهِ الْغَيْثِ. ۶۴/۴

ج. اگر کسی مقداری از آب باران را جمع آوری کند مالک آن آب می‌شود.

ج. المعادن الباطنة تملك ببلوغ نيلها. ۶۶/۴

ج. معادن باطنی که رسیدن به آنها نیاز به کار دارد در صورتی که به باطن آن برسیم به ملکیت در می‌آید.

د. الناس في الطرق شرع بالنسبة إلى المنفعة المأذون فيها. ۶۱/۴

ج. مردم در استفاده از منافع مأذون فیه راه‌ها، مساوی هستند و هیچ کس بر دیگری اولویت ندارد.